

مطالعه تطبیقی دلایل اداره قراردادهای استاندارد ناعادلانه

علیرضا فصیحی زاده* جلیل قنواقی** مرضیه داوری لنگرودی***

چکیده

تعارض عدالت و آزادی قدمتی به طول حقوق قراردادها دارد. با وجود بحث و اختلاف در لزوم صیانت از عدالت و اعمال محدودیت بر آزادی اراده، سالیان سال، آزادی قراردادی در مسیر تامین منافع افراد و عدالت توزیعی در اجتماع حکم فرمایی می‌کرد. اما گذر زمان و مناسبات اقتصادی جوامع، پیش فرض‌های اصل آزادی اراده را متزلزل ساخت. عرصه استفاده از قراردادهای استاندارد بیش از سایر قراردادها، مبتنی بر توجیه آزادی طرفین در استفاده از این فرم‌ها و البته صرفه‌جویی در زمان، هزینه‌ها و استفاده از موقعیت برتر معاملی در تحمیل شرایط قراردادی است. سوءاستفاده از این آزادی اراده، توجیهی بر تحدید این اصل و گرایش بر رعایت عدالت قراردادی شد. فقدان آزادی اراده همه طرف‌های قرارداد، نابرابری قدرت معاملی و نارسایی بازار از عمده‌ترین دلایل گرایش به اداره قراردادهای استاندارد است. نگارنده سعی بر این دارد تا ضمن بررسی تطبیقی این ادله، اعتبار آن‌ها را با توجه به انتقادات مطروحه بسنجد.

کلیدواژگان: آزادی اراده، آزادی قراردادی، اداره قرارداد، قرارداد استاندارد، عدالت قراردادی.

fasihzadeh@gmail.com

ghanavaty@ut.ac.ir

davarimarzieh@gmail.com

* استادیار حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

** دانشیار حقوق خصوصی دانشگاه تهران، پردیس فارابی.

*** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۲

سرآغاز

انعقاد قرارداد در زمانی نه‌چندان دور، در فضایی آزادانه، منحصر به اطراف محدود و به‌طور معدود صورت می‌گرفت. با گذر زمان و صنعتی شدن جوامع و پیچیدگی روابط حقوقی و تجاری، همگام با فزونی قراردادهای، توجه به ارزش سرعت و پویایی تجارت و میزان هزینه و فایده، اهمیت بسزایی یافت. از این رو، میل به استفاده از قراردادهای استاندارد (Standard Contract) بالا گرفت. استفاده روزافزون از این نوع قراردادها در عرصه‌های گوناگون جوامع، تمییز قراردادهای استاندارد را از موارد مشابه چون قراردادهای الحاقی مشکل می‌نماید. با وجود تعاریفی که برخی از حقوقدانان ارائه کرده‌اند (شیروی، ۱۳۷۸: ۴)، اگر سعی در ارائه تعریفی نسبتاً جامع از قراردادهای استاندارد داشته باشیم، می‌توان این گونه بیان داشت که «یک قرارداد استاندارد، مجموعه‌ای از تعهدات و تکالیف و طرق اجرا و ضمانت نقض آن‌ها و کیفیت حل اختلافات است که در قامت و توان یک قرارداد کامل و مستقل، برای استفاده مکرر، از پیش در محیطی فارغ از انحصار تنظیم می‌شود که در غالب موارد، طرف دارای قدرت و به‌طور استثنایی طرفین یا نمایندگان آن‌ها بدون هیچ گونه مذاکره‌ای، در زمان انعقاد قرارداد ارائه می‌نمایند. به نحوی که با امضای این قراردادهای غیرقابل مذاکره و تغییر، به‌طور کامل قرارداد منعقد و لازم‌الاجرا می‌گردد.» استفاده از قراردادهای استاندارد و نیز به کارگیری شروط استاندارد در قراردادهای، فرصت‌های طلایی ای همچون در دست داشتن ابتکار، کاهش قدرت چانه‌زنی و امتیاز تعیین شرایط حاکم بر روابط حقوقی را به دنبال دارد. گرایش به این مزایا تا حدی پیش رفت که بعضاً روابط حقوقی را از مدار عدل و انصاف، خارج ساخت و همین سوءاستفاده، ضرورت کنترل و مهار آزادی قراردادی را گوشزد نمود. در خصوص شروط استاندارد و نیز کنترل قضایی یا قانونی قراردادهای و شروط استاندارد در نظام حقوقی ایران تا حدی پرداخته شده است اما کمتر به قراردادهای استاندارد و خصوصاً دلایل اداره این نوع از قراردادهای توجه شده است.

همین مهم، موجب شد تا نگارنده با مطالعه در سایر نظام‌های حقوقی و توجه به حقوق داخلی، دلایل و توجیحات موجود را در راستای کنترل و اداره قراردادهای استاندارد مورد مذاقه قرار دهد. بنابراین، ابتدا با مطالعه لزوم عادلانه بودن قرارداد و روند منجر نشدن آزادی قراردادی به عدالت قراردادی، به ضرورت اعمال محدودیت‌های نوین بر اصل آزادی اراده می‌پردازیم (گفتار نخست). پس از آن، ضمن بررسی تفصیلی توجیحات و دلایل اداره و کنترل قراردادهای استاندارد (گفتار دوم)، اعتبار این توجیحات را با توجه به انتقادات موجود (گفتار سوم) می‌سنجیم.

۱. برخورد آزادی قراردادی و عدالت قراردادی

قرارداد از هر نوعی که باشد، به تعبیری قانون طرفین است (ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه). طرف‌های قرارداد هستند که با اراده خود آزاده شرایط معاملی خویش را رقم می‌زنند و با آگاهی از جوانب آن، خود را متعهد می‌سازند. در این میان، حقوق در راستای هموارسازی اجرای این قرارداد و تحکیم مبانی آن باید کوشا باشد و به نقض‌کننده‌ی این قانون، ضمانت اجراهای معین شده را اعمال نموده و از دخالت در این رژیم مشترک به بهانه‌های عدم انصاف و بی‌عدالتی با ابزارهای قانونی و قضایی بپرهیزد. از همین رو است که در عمده کشورها، از حقوق قراردادها به نحو ستایش شده یاد می‌شود (Cicoria, 2003, p1؛ کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۱۳۵). اصل آزادی اراده به عقیده طرفدارانش، فارغ از همسویی با فطرت انسانی و مؤلفه‌های اخلاقی، دارای وجهه‌های عملی چون توزیع ثروت، تامین عدالت، کارایی اقتصادی، رفاه عمومی و ... است (atiyah, 1980, p133) اما لازم به ذکر است که هرچند قراردادها و آزادی در انعقاد آنها آثار توزیعی دارد و تسهیل‌کننده روابط بازار است اما این تضمین‌کننده رعایت

عدالت و منصفانه بودن این توزیع^۱ نیست. چنانکه قیمت تابعی از عرضه و تقاضاست و ثروت لزوماً عادلانه توزیع نمی‌گردد. اینجاست که مساله ضرورت رعایت عدالت در قرارداد، به خصوص قراردادهای استاندارد مطرح می‌گردد. به عبارتی دیگر، این سؤال شکل می‌گیرد که اصل آزادی اراده و انعقاد آزادانه قراردادهای استاندارد امروزه نیز تامین‌کننده عدالت قراردادی می‌باشد یا خیر؟ به نظر می‌رسد هرچند در خصوص لزوم رعایت عدالت در قراردادها تصریحی در دست نیست، اما با توجه به پیوند عمیق و دیرین عدالت و حقوق، امکان نادیده گرفتن این مؤلفه اساسی نیز موجود نیست. چنانکه تأکیدهای فراوانی بر رعایت برابری در قراردادها و عدالت در معاوضه شده است (March, 1993, p290). توجه قانونگذاران به این نکته بوده است که در تنظیم قواعد حقوق قرارداد، تعادل و برابری نیز رعایت شود. نیک که بنگریم، خواهیم دید که آزادی قراردادی از آن رو اهمیت یافت که برای رسیدن به عدالت کافی می‌نمود. لذا هرگاه ابزار ما را به مقصود نرساند، می‌توان در آن دخالت و اعمال تغییر و تحدید کرد. در حقیقت، برخی تعارض‌ها که بین عدالت قراردادی و آزادی قراردادی وجود دارد، ناشی از نگاه عملگرا و اصولگرا به قرارداد است. چنانکه به تعبیر برخی، نگرش اصولی، حامی آزادی قراردادی و نگاه عملگرایانه، معطوف به نتیجه عادلانه تحت شرایط خاص هر قرارداد است (Atiyah, op.cit, p1251). البته میزان توجه نظام‌های حقوقی به عنصر عدالت در قراردادها بسته به جایگاه اختیار فرد در آن نظام حقوقی متغیر است. به عبارتی، هر میزان اصالت فرد مورد توجه باشد از عدالت‌گرایی نتایج قراردادی کاسته و هر میزان نسبت به استقلال فرد انعطاف نشان داده شود، عدالت قراردادی بیشتر مورد

۱. در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی اصرار بر این بود که قراردادها عادلانه‌ترین ابزار توزیع ثروتند اما با مرور زمان در قرن بیستم این نظر منسوخ شد. چنانکه تا کنون یکی از مهمترین هدف‌های دولت‌ها، تنظیم بازارها جهت توزیع بهینه ثروت در اجتماع بوده است و - یکی از کاراترین ابزارهای دولت‌ها تنظیم و تصویب مقررات تنظیم‌کننده قراردادهاست. مثال بارز این دسته از مقررات، قوانین حمایت از مصرف‌کنندگان است که شروط و قراردادهای استاندارد نامعقول و یا متضمن بهره‌های بالا را ممنوع نموده است.

توجه قرار خواهد گرفت. با توجه به نکته، امکان و میزان محدود ساختن آزادی اراده مشخص می‌گردد.

فارغ از مباحث نظری، تعارض اجرای کامل آزادی قراردادی با رعایت عدالت قراردادی، از دیرباز وجود داشته است که البته با صنعتی شدن جوامع و فاصله گرفتن رویه حقیقی بازار مصرف و تجارت با مبانی آزادی قراردادی، این تعارض تشدید شد و رعایت دائم اصل آزادی قراردادی را سست نمود. از این رو، آزادی اراده دیگر کارکردهای خود را همچون توزیع عادلانه ثروت و تامین عدالت و رفاه اجتماعی با قدرت سابق ندارد. این امر که بیش از هر چیز می‌تواند ناشی از سوءاستفاده طرفین قرارداد از آزادی موجود باشد، ضرورت کنترل و اداره قراردادهای استاندارد را متذکر می‌شود. در راستای بنیان بخشی به مبحث کنترل و اداره قراردادهای استاندارد، متفکرین حقوقی خصوصاً در قرن بیستم با الهام گرفتن از نیازهای روزآمد عرصه قراردادها، توجیهاتی را برشمرده اند که گویای زوال تدریجی مقدمات آزادی قراردادی است. به عبارتی، مؤلفه‌هایی چون نبود حاکمیت اراده و انتخاب آزاد برای طرفین قرارداد و نارسایی‌های بازار و البته نابرابری طرفین در قدرت معاملی و چانه‌زنی سبب شد تا بیش از پیش در مقام اداره قراردادهای استاندارد برآیند و محدودیت‌های جدیدی بر اصل آزادی اراده تعیین نمایند. محدودیت‌هایی که از آن به عنوان امکان کنترل و اداره قضایی و تقنینی قراردادهای استاندارد یاد می‌شود. اما غایت این مقاله بررسی ابزارهای اداره قراردادهای استاندارد نیست؛ بلکه اندیشه در دلایل اداره قرارداد استاندارد که تحدید و دخالت‌های جدیدی در آزادی اراده است، می‌باشد. از این رو، گفتار آتی به توجیهات و دلایل اعمال محدودیت‌های جدید بر اصل آزادی اراده به منظور اداره قراردادهای استاندارد اختصاص یافته است.

۲. دلایل اعمال محدودیت‌های نوین بر اصل آزادی اراده

در قرن بیستم، حقوق قراردادها به این نتیجه رسید که محدودیت‌هایی چون نظم عمومی و اخلاق حسنه، دیگر عدالت قراردادی را تضمین نمی‌کنند و برای تطبیق با مصالح اجتماعی کافی نیستند. از همین رو، به منظور رسیدن به عدالت قراردادی، طرح قواعدی نوین، جهت اعمال محدودیت بر آزادی قراردادی ضروری بود. دلایلی که این ضرورت را ایجاب می‌نمود، برگرفته از واقعیت‌های جدید قراردادهای استاندارد همچون فقدان آزادی در انتخاب، نابرابری در قدرت معاملاتی و البته نابرابری اطلاعات و انحصار به عنوان ضعف‌های بازار بود. در ذیل، هریک از این دلایل را به نحو مجزا بررسی کرده‌ایم.

۲-۱- فقدان اراده آزاد در انعقاد قرارداد

در دوران حکومت اصالت فرد و فردگرایان افراطی، بر حاکمیت اراده فرد تاکید می‌شد. البته مبنای این نظریه، این بود که هر یک از طرفین قرارداد از آزادی و اختیار کافی برخوردار است و قدرت الزام آوری قرارداد ناشی از رضایت و آگاهی آنها به شرایط توافق شده بود. اما در دوران جدید، این پیش‌فرض‌ها دستخوش تغییرات اساسی شد. چنانکه در قراردادهای استاندارد که نوعی فرم از پیش تعیین شده و دیکته شده به طرف مقابل است، تنها از آزادی اراده ظاهر و شکل باقی مانده است و دیگر از حاکمیت اراده طرفین و مذاکره و سنجش ضرر و منافع خبری نیست. بسیاری از قراردادهای استاندارد را در سازمان‌های ارائه‌کننده کالا و خدمات ضروری یا خریدهای اینترنتی و ... می‌بینیم اما تنها فرصت انعقاد یا انصراف از آن باقی مانده است و به جای ایجاد یک موجود حقوقی صرفاً حالت پیوستن به آن را تداعی می‌کند. از این رو، در قراردادهای مدرن شاهد آزادی اراده یک طرف قرارداد هستیم که غالباً موضع برتر را داراست و نه آزادی طرفین. ضمن اینکه رضایت که عنصر اساسی انعقاد قراردادهاست، در پاره‌ای از

قراردادهای استاندارد به سبب عدم آگاهی کامل طرف قرارداد از شروط آن محل بحث است. در برخی دیگر از موارد، قراردادها به نحوی هستند که دیگر نشانی از آزادی اراده نمانده است. نمونه بارز این نوع قراردادهای استاندارد را در استفاده از خدمات ضروری چون گاز و برق و تلفن و یا بیمه اجباری هستند. این در حالی است که قواعد حقوق قراردادهای طرفین قرارداد را به عنوان عناصری آزاد و مستقل می‌شناسد و گویای این پیش فرض است که افراد با صلاحیت و توانایی خود باید منافع و ضررها را تشخیص دهند و از ورود به قراردادهای مضر پرهیز کنند. فلسفه حقوق خصوصی مبتنی بر این است که با افراد جامعه به نحو یکسان برخورد شود و افراد همان‌گونه که در انعقاد قرارداد آزاد هستند، باید مراقب منافع خویش نیز باشند (Cranston, 1984, pp65-69).

در واقع، زمانی می‌توان از آزادی در قراردادهای استاندارد سخن گفت که در صورت عدم پذیرش یک فرم قرارداد استاندارد موقعیتی مشابه و مناسب برای رفع نیاز مدنظر موجود باشد. اما انحصار در عمده زمینه‌های تجاری و نیز این واقعیت که در موارد عدم انحصار، شروط رقبا در تجارت غالباً مشابه است و توفیقی نسبت به یکدیگر ندارد. با این اوصاف، صحبت از آزادی انتخاب در قراردادهای استاندارد فاقد محل می‌ماند. این شرایط، نتیجه‌ای جز تحمیل در قراردادها ندارد، آزادی قراردادی گویای آزادی از تحمیل طرف مقابل نیز می‌شود (Kennedy, op.cit, p570).

ماهیت و اساس حقوق خصوصی که تنظیم توسط خویشتن است، نظریه اعمال محدودیت بر آزادی اراده‌ای که مورد سوءاستفاده طرف [غالباً قوی و برتر] قرارداد استاندارد می‌باشد را توجیه می‌کند؛ زیرا لازمه‌ی حقوق خصوصی، حذف خدشه و ضرر وارد به طرفی که ظاهراً و نه واقعاً آزاد در انعقاد قرارداد بوده است. یکی از بزرگان حقوق ایران چه زیبا گفته‌اند که «زمانی که آزادی بیش از اندازه، خود حصار می‌شود، همه خواهان آن می‌شوند که از آزادی‌ها کاسته شود تا برابری به دست آید» (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۳۷ و ۳۸).

۲-۲- نابرابری قدرت معاملی^۱

قدرت معاملی یا چانه‌زنی مضاف بر اینکه یکی از توجیحات اصلی اعمال محدودیت بر آزادی قراردادی است، نام یک دکترین حقوقی در کامن لاس است که در قرن ۱۹ و ۲۰ توسعه یافت. در واقع قضاوت از طریق این دکترین، نسبت به نابرابری قدرت که استنباط می‌کنند بین طرفین قرارداد وجود دارد، واکنش نشان می‌دهند (مطالعه بیشتر ر.ک: کرمی، ۱۳۹۵: ۷۲۳-۶۹۳).

توانایی هر فرد در مذاکره و انعقاد قراردادها بسته به معیارهای مختلف و افراد می‌تواند متغیر باشد. چنانکه در مباحث سنتی حقوق قراردادها از این مبحث تحت عنوان اهلیت قراردادی یاد می‌شود. البته طبیعی است که فرد قوی‌تر از حیث موقعیت تجاری همچون در روابط فیزیکی، موضع بالاتر را نسبت به فرد ضعیف و بی‌تجربه، به خود اختصاص دهد و معمولاً نیز در مسیر رسیدن به منافع شخصی پیروزی بیشتری به دست آورد. اما حقوق، داشتن میزانی از قدرت تشخیص و معاش در روابط حقوقی را برای طرفین لازم دانسته است که در صورت ضعف یا فقدان این مقوله، با ابزارهای اجبار، تقلب و تدلیس برخورد می‌نماید و آن رابطه را به رسمیت نخواهد شناخت. اما دیگر حقوق سنتی قادر به مقابله با سوءاستفاده‌هایی که امروزه از نابرابری قدرت چانه‌زنی صورت می‌گیرد، نیست. در واقع نابرابری می‌تواند به علت قدرت بیشتر یکی از طرفین یا ضعف بیش از حد طرف دیگر باشد.

شدت و ضعف قدرت معاملی تابعی از معیارهای چون رفتار معامله‌گر، ویژگی‌های فردی طرفین قرارداد و نوع معامله‌ای که صورت می‌گیرد، است. به عبارتی معامله‌گر با توجه به مؤلفه‌های شخصی همچون نفوذ، تجربه، ثروت، عظمت قلمرو کاری، اطلاعات و دانش از قدرت معاملی متفاوتی برخوردار خواهد بود. رفتارهایی چون استفاده از قراردادهای استاندارد نیز می‌تواند قدرت برتر وی را در معامله به رخ طرف مقابل بکشد و البته نوع معامله نیز ممکن است موجب نابرابری در قدرت چانه‌زنی و

1. Inequality of bargaining power

معاملی شود. چنانکه کالای ضروری مورد معامله باشد و یا فرضی که گزینه‌های زیادی برای کارفرما جهت استخدام کارگر مورد نیاز وجود دارد، برای طرف نیازمند به کالا و نیز کارگر قدرت معاملی و تعیین‌کننده شرایط کم‌رنگ می‌شود (Barnhizer, 2004, p33). این در حالی است که اصل آزادی اراده مبتنی بر این فرض است که طرفین با آگاهی و توان برابر وارد قرارداد می‌شوند و تعادل معاملی، عدالت قراردادی آن‌ها را تضمین می‌کند زیرا که هر فرد توان دفاع از منافع خود را داراست (Barnhizer, Op.cit: 47). ولی امروزه خصوصاً در قراردادهای استاندارد دیگر برابری طرفین افسانه شده است و دیگر این فرض از حقوق، واقع‌گرایانه نیست (Dimmateo, 1998-1999, p287). این امر دخالت دولت‌ها را می‌طلبد چنانکه یکی از حقوقدانان در خصوص این که بی‌طرفی حقوق و دولت‌ها در این دست موارد، همواره نمی‌تواند عادلانه باشد، به این صورت است که نزاع دو کودک را مثال می‌زند که بی‌طرفی پدر نسبت به کودکی که از لحاظ فیزیکی برتر است، اجازه غالب شدن را می‌دهد (Kimel, 2001, p473). بنابراین، دخالت نکردن در قرارداد بین نابرابرها عین بی‌عدالتی است. نباید به این بهانه که طرف ضعیف، آزاده وارد قراردادی استثمارگونه شده است، در برابر سوءاستفاده و تحمیل‌های وارد بر طرف ضعیف سکوت کرد و عدالت قراردادی را فدای پایبندی به آزادی قراردادی که بازیچه قدرتمندان است، نمود.

۲-۳- ضعف‌های بازار

نارسایی بازار که به‌طور مجزا تحت دو عنوان انحصار و نابرابری اطلاعات بحث خواهد شد، یکی از موثرترین دلایل و توجیهاتی است که برای دخالت در معاملات و اعمال محدودیت موجود است.

فرضی وجود دارد که هرگاه طرفین آزاده قراردادی را منعقد کنند، معامله احتمالاً نفع هر دو را در بر خواهد داشت. حقوقدانان اقتصادی، همواره برای رد این گزاره، به دو

عامل اشاره می‌کنند: ۱- نقایص مربوط به انعقاد قرارداد همچون اکراه و اجبار و اشتباه و ... ۲- نارسایی و شکست بازار (Trebilcock, 1993, pp 40-44).

توصیف آدام اسمیت از بازار که بیان می‌داشت شرکت کنندگان آن همه آگاهند و با داشتن ابزارهای برابر و دسترسی یکسان به بازار، معامله در نتیجه عادلانه خواهد بود (Malbon, 2016, p24)؛ امروز با توجه به دگرگونی‌های اقتصادی صادق نیست. به تعبیر برخی، نه تنها افراد در بازارهای امروزی برابر نیستند بلکه محدود به واقعیت‌های نامطلوب بازار نیز شده‌اند. همکاری و تعامل آزادانه در چنین بازاری تخصیص بهینه منابع را به دنبال نخواهد داشت و از آنجا که حقوق خصوصی ابزاری کارا در کنترل این وضعیت ندارد، دولت باید جهت کنترل و اداره بازار وارد شود (باقری، ۱۳۸۵: ۴۲).

کاستی‌های بازار عمدتاً ناشی از انحصار و نابرابری اطلاعات می‌باشند که به توصیف اجمالی آن‌ها می‌پردازیم.

الف) انحصار

برای دست یافتن به مفهوم دقیق انحصار پرداخت نبه چند مقدمه ضروری است. عنصر اساسی اقتصادهای مبتنی بر بازار، رقابت است. انحصار، تسلط و سوءاستفاده از شرایط برتر، نقطه مقابل و مخرب فضای رقابت است. در آقع امکان تعیین دقیقی مرز انحصار و بازار رقابتی موجود نیست اما با توجه برخی مؤلفه‌ها، می‌توان بیان داشت که یک فرد زمانی در موقعیت تسلط و انحصار قرار می‌گیرد که تحت فشار رقبای خود نباشد. این موقعیت زمانی حاصل می‌شود که یا به علل مختلف قدرت تعیین و کنترل قیمت‌ها را دارند (عبدی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

انحصار یا می‌تواند از طریق افزایش قیمت‌ها و یا از طریق درج شروط غیرمنصفانه و ناکارآمد در قراردادهای استاندارد، هزینه کلی معامله را بالا ببرد و مصرف‌کنندگان را استثمار کند (carswell, 1994, pp5-8). همین امر از توجیحات و دلایل اساسی ضرورت اداره قراردادهای استاندارد و دخالت در آنهاست.

یکی از عوامل اصلی پیدایش انحصار در بازارها، ادغام شرکت‌ها و تبدیل شدن آن‌ها به شرکت‌های چند ملیتی است. به این صورت که با توافق‌های نهان، همگی شروط مشابه یکدیگر را ارئه می‌کنند. این موضوع در شرایط وابستگی به انحصارگرها، نه تنها روند توزیع عادلانه ثروت در اجتماع را بر هم می‌زنند، بلکه ابزاری برای استثمار جوامع می‌شوند. این نوع از سرمایه داری انحصاری همسو با نظر برخی از حقوقدانان از طریق قراردادهای استاندارد و شروط معاف‌کننده عمل می‌کند (Kessler, 1943, p640).

با بررسی نظام‌های حقوقی متوجه می‌شویم که از دیرباز توجه ویژه‌ای به تأثیر انحصار در برهم خوردن تعادل قرارداد داشته‌اند. قواعد مبارزه با ربا و رباخواری، نمونه روشنی است از دفع موقعیت‌هایی انحصاری که از اضطرار طرف مقابل جهت مال اندوزی خویش سوءاستفاده می‌شود (Cooter, 2008, p231).

وجود شروط ناعادلانه در قراردادهای استاندارد نیز نمودی از شرایط انحصاری طرف برتر معاملی است که قضات و دادگاه‌ها سعی بر آن داشته‌اند تا با ابزارهای کلی و موجود در قواعد عمومی قراردادها چون اکراه با انحصارهای ابتدایی مبارزه نمایند (Trebilcock, 1996, p355). اما کنترل قدرت انحصارهای پیشرفته و نظام‌مند امروزی، فراتر از توان قضات و ابزارهای قضایی است و اعمال ابزارهای تقنینی دقیق را از سوی دولت‌ها می‌طلبد. به همین سبب، انحصارها یکی از بارزترین موارد مداخله دولت‌ها از طریق وضع قواعد امره بوده‌اند (Cooter, op.cit, p230).

ب) نابرابری اطلاعات^۱

ایده‌آل آن است که طرفین قرارداد استاندارد از کم و کیف قرارداد آگاهی کامل داشته باشند و بالتبع چنین آگاهی‌ای، شرایط توزیع عادلانه منابع مساعد می‌شود. اما واقعیت امروز بازار و روابط حقوقی را که بنگریم، با ایده‌آل مذکور فاصله دارد. اطلاعات کافی برای طرفین قرارداد استاندارد، خصوصاً طرف ضعیف معاملی، در دسترس نیست یا

دسترسی به آن هزینه بردار و خارج از توان اوست. از همین رو تصمیم طرف اخیر بواسطه نقص اطلاعات آگاهانه نیست و توان برآورد تعهد واقعی خویش را ندارد. چه بسا اگر به نحو دقیق و کامل مطلع می‌شد، تن به قرارداد استاندارد مطرح شده نمی‌داد. اطلاعات کافی محدود به کم و کیف موضوع قرارداد نمی‌شود بلکه ممکن است نداند همه ریسک‌های مرتبط با عیب کالا بر عهده او گذارده شده و یا ممکن است از این امر مطلع بوده اما از احتمال وقوع این موقعیت آگاهی درستی نداشته باشد که همه این عوامل سبب عدم تخمین درست قیمت کلی موضوع قرارداد استاندارد می‌شود. (Craswell, Ibid, p9).

لازم به ذکر است که در گذشته نیز این نابرابری اطلاعات وجود داشته است. وجود قواعد اشتباه و تدلیس در حقوق قراردادها مویذ این نکته است. اما برتری اطلاعاتی امروزه با توجه به پیچیدگی اقتصاد جوامع و نیز دخالت عوامل الکترونیک و داده‌پردازی‌های طبقه‌بندی شده، با قواعد سنتی حقوق قراردادها جبران پذیر نیست. این مهم، دولت‌ها را متقاعد به مداخله و وضع قواعد آمره با انگیزه حمایت از مصرف‌کنندگان نمود. این حمایت می‌تواند به نحو حذف محدودیت‌های اطلاعاتی تولیدکنندگان و تصحیح اطلاعات گمراه‌کننده و ترغیب به ارائه اطلاعات اضافی و ذکر آن در قراردادهای استاندارد باشد (cserne, 2008, p116). چنانکه این امکان نیز وجود خواهد داشت که طرف آگاه‌تر را ملزم به افشای اطلاعات و از باب نقض شرط ضمنی اطلاع رسانی مسوول قلمداد نمایند و از این مجرا کارآمدی قرارداد استاندارد مربوط را تضمین نماید (Wagner, 2010, p49).

مقرراتی که در خصوص کنترل عدم تقارن اطلاعات طرفین وضع می‌شوند گاه مستقیم و غالباً به نحو غیرمستقیم حاوی تعهد به افشای اطلاعات هستند. همچون مقرراتی که برای کنترل شروط استاندارد به کار می‌روند، به‌طور غیرمستقیم نابرابری‌ها اطلاعاتی را مدنظر قرار می‌دهند. توجیه کنترل قراردادهای استاندارد در پرتو نابرابری اطلاعات طرفین به این صورت است که مصرف‌کنندگان اطلاعات، درک لازم را جهت

پردازش قراردادهای استاندارد را معمولاً ندارند و افراد معدودی شرایط رو بررسی می‌نمایند و اکثریت بر ویژگی‌های خاصی تمرکز می‌کنند و این امر به طراحان قراردادهای استاندارد این فرصت را می‌دهد که شروط یک‌جانبه خویش را با جلب توجه کمتری در قرارداد درج کنند. در حالی که افرادی توان حلاجی این موارد ندارند، نه تنها علیه مقصود حقیقی خود قرارداد را منعقد کرده‌اند بلکه بیش از هر زمان دیگری برای بهره‌کشی طرف مقابل آسیب‌پذیرتر شده است (Zhou, 2008, p6).

عمده‌ترین دلایل اعمال محدود بر آزادی قراردادی را برشمردیم. توجیهاتی که با تمسک به آن‌ها محدودیت‌های نوینی بر اصل آزادی اراده وضع شده است. منظور از این محدودیت‌ها، چارچوب سنتی نظم عمومی و اخلاق حسنه و رعایت حسن‌نیت نیست؛ بلکه، محدودیت‌های موردی با توجه سوءاستفاده‌های طرف قرارداد از آزادی قراردادی است. روند اعمال محدودیت در کشورهای اروپایی به این صورت بوده که حمایت از طرف ضعیف و محدود نمودن آزادی اراده به چند طریق صورت گرفته است که می‌توان به کنترل قضایی، کنترل پنهان و کنترل آشکار و البته کنترل از طریق وضع مقررات نام برد. استفاده از این ابزارها، همانگونه که اشاره شد بسته به جایگاه اختیار فرد در جوامع مختلف دارد. به عبارتی اگر اهمیت و اصالت فرد همچنان بالا و شاخص باشد، کارایی ابزارهای قضایی در راستای نزدیک شدن به عدالت قراردادی کمتر است. همچون ایران که هرچند حمایت از طرف ضعیف و تحدید قراردادهای استاندارد در قالب هر دو ابزار کنترل قضایی و تقنینی اعمال می‌شود، اما به سبب تقدس قرارداد آزادی اراده در نظام حقوقی ما، دادگاه‌ها در اداره قراردادها و شروط استاندارد ناعادلانه توفیق چندانی نداشته‌اند. از این رو، محاکم ضرورت دستیابی به نتیجه عادلانه را مورد توجه قرار نمی‌دهند. بنابراین، عمده بار تامین عدالت بر عهده ابزارهای تقنینی خواهد بود. چنانکه در ایران نیز مقررات پراکنده در این راستا وضع شده است. در حقیقت، امکانات دادگاه‌ها در نظام حقوقی ایران محدود به استناد و استفاده از قواعدی چون منع سوءاستفاده از اضطرار طرف دیگر جهت منفعت شخصی و یا نظم عمومی که

به عنوان مثال در اعلام بطلان شرط عدم مسوولیت در ارتکاب تقصیر سنگین (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۷۲۳) مستند است یا قاعده لاضرر و برخی تکنیک‌های تفسیری، می‌باشد. با عدم کفایت مداخله امکانات دادگاه‌ها در برابر ناعدالتی‌های نظام‌مند، اداره تقنینی پا پیش گذاشت و با وضع مقرراتی چون تحدید آزادی موجر در قانون ۱۳۶۲ و ۱۳۶۵ روابط موجر و مستاجر، وضع قانون کار در سال ۱۳۶۸، قانون تعزیرات حکومتی ۱۳۶۷، قانون حمایت از مصرف‌کنندگان ۱۳۸۶، قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۷، تنظیم قانون پیش‌فروش ساختمان در سال ۱۳۸۸ و نیز اعطای مهلت عادلانه به بدهکار وفق ماده ۲۷۷ قانون مدنی ایران، آزادی قراردادی را تا حدی به عدالت قراردادی نزدیک نموده است.

با وجود دلایل و توجیهاتی که برای مقابله با افراط در آزادی قراردادی وجود دارد و شرح آن رفت و توجه کنترل‌ها و ابزارهایی که در این راستا به کار گرفته شده است، برخی از اندیشمندان مخالفت‌هایی با این دخالت و کنترل‌های صورت گرفته دارند که عدم توجه به این نکات، جایز نیست. گفتار بعدی به این انتقادات تخصیص یافته است.

۳. انتقاد بر اعمال محدودیت

اعمال محدودیت بر آزادی قراردادی با هدف تضمین عدالت و رفع نابرابری در قراردادهای استاندارد، مخالفانی نیز دارد. اساس استدلال آن‌ها مبتنی بر دو موضوع است. عمده‌ترین ایراد آن‌ها ناظر بر عدم تعادل هزینه دخالت و منفعت حاصل است. دیگر اینکه چنین مداخلاتی را قیم مآبانه می‌پندارند و نقص حاکمیت اراده را بر نمی‌تابند. ذیل دو قسمت مجزا به تبیین این انتقادات خواهیم پرداخت.

۳-۱- هزینه بر بودن مداخلات

عمدتاً اندیشمندان حقوق اقتصادی با مداخلات و محدودیت‌های جدید اصل آزادی اراده مشکل دارند. تحلیل‌گران اقتصادی حقوق معتقدند هزینه‌ای اعمال محدودیت و دخالت بیشتر از سود آن است (Posner, 1992, p7). در واقع با افزایش کنترل دولت‌ها هزینه‌های انعقاد قرارداد نیز بیشتر می‌شود. در نظر بگیریید که قراردادهای استاندارد یک فعال تجاری، بعضاً مشتمل شروط ناعادلانه است که در صورت اعمال محدودیت از سوی دولت بازنگری و اصلاح آن هزینه‌های خاص خود را می‌طلبد که در کل، هزینه معاملات را بالا می‌برد. این هزینه‌ها در کنار هزینه‌های قانونگذاری و برپایی نهادهای ناظر و تخصیص منابع لازم به آن‌ها، منفعتی را که به دنبال آن، دست به اعمال محدودیت بر آزادی قراردادی زده‌ایم را زیر سؤال می‌برد. مضاف آن که هزینه‌های دادرسی اقامه دعوی در صورت نقض محدودیت‌های مقرر، بیش از پیش، این مقوله را غیراقتصادی می‌کند (Richett, 2003, p48).

تحلیلگران اقتصادی حقوق نیز معتقدند که اداره قراردادهای مصرف، هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد که این امر ضمن تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری، هزینه‌ها را در نهایت بر مصرف‌کننده تحمیل می‌کند (Smih, 2007, pp3-6). این در حالی است که تجاری که با شروط غیرمنصفانه خویش پیش می‌روند، کالای مقرون به صرفه‌تری را ارائه خواهند کرد. به نظر می‌رسد که فارغ از تحلیل‌های اقتصادی، گاه لازم است برای نیل به عدالت قراردادی و حمایت از طرف ضعیف و تعدیل نابرابری‌ها، هزینه کردن، آن هم به صورت کوتاه مدت، آثار اجتماعی مطلوب‌تری را نسبت به سنجش صرف «هزینه و فایده» که عمدتاً مبتنی بر اندیشه‌های لیبرالیستی است، به دنبال دارد.

اما چالش دیگری که تحلیلگران اقتصادی مطرح نمودند، ایراد به دلیل نابرابری در قدرت چانه‌زنی است. همان گونه که بیان شد، نابرابری در قدرت معاملی یکی از مهمترین دلایل اعمال کنترل بر آزادی قراردادی است؛ اما تحلیلگران اقتصادی اساس نابرابری قدرت معاملی را زیر سؤال برده‌اند. از منظر ایشان نابرابری در قدرت چانه‌زنی،

ذاتاً منجر به ناکارآمدی نمی‌شود بلکه دخالت و کنترل است که عدم کارایی را به دنبال دارد. به عنوان مثال، وضع مقررات و محدودیت رای ساعت کارگران در روز، هم ساعات خدمت به اجتماع را کم می‌کند و هم کارگر را از کسب منفعت بیشتر محروم می‌کند. در واقع تعیین مرزهای سوءاستفاده از قدرت چانه‌زنی برای کامیابی فرد و اجتماع نیز زیانبار است.

از همین رو است که قاضی ریچارد پونز، این نتیجه را که عدم انتخاب آزاد، رضایت به معامله را نفی می‌کند، مردود می‌داند. وی معتقد است که اگر فضای رقابت حاکم باشد، تاجری که در قرارداد استاندارد خود شرایط مطلوب خویش را تحمیل ساخته است، در بلند مدت به سبب رقابت مجبور به حفظ و رعایت حقوق خریداران می‌گردد و این شرایط غیرمنصفانه موقتی خواهد بود. به عقیده او، داشتن قدرت برتر معاملی امری نسبی است و ارزیابی نوعی آن و ارائه ملاک نوعی جهت اعمال کنترل، اغلب ناشی از اشتباه، پیش داوری و ناقص است (ponser. 1986, pp102-104). علاوه بر این، آثار نابرابری در قدرت معاملی به اندازه‌ای نامعین است که مداخله برای رسیدن به عدالت توزیعی^۱ صرفاً به صورت محتمل و شانسی است (Barhizer, op.cit, p35).

شاید برخی از استدلال‌های این تحلیلگران، واقع‌گرایانه باشد اما به نظر می‌رسد که در بیان هزینه‌های مداخله و کنترل اغراق می‌نمایند؛ زیرا فارغ از ارزش والای عدالت، منافع چندجانبه اعمال محدودیت و مداخلات به مراتب بیش از هزینه‌های آن است. لازم به ذکر است که اثر پیشگیرانه کنترل‌های تقنینی را نمی‌توان نادیده انگاشت. با این توضیح که صرف وضع مقررات کنترل‌کننده، موجب اصلاح رفتارهای معاملاتی آتی فعالان بازار می‌شود. بدون آن که بسیاری از هزینه‌هایی که تحلیلگران اقتصادی حقوق بیان داشته‌اند، فرصت بروز پیدا کنند.

توجه به تأثیر نابرابری‌های طرفین در قدرت چانه‌زنی نیز آن گونه که بیان داشته‌اند، اشتباه و پیش‌داوری نیست؛ بلکه تأثیر طبیعی و عادی خود را بر قرارداد می‌گذارد. شاید

1. contributive justice

بسته به موارد مختلف، شدت و ضعف پیدا کند اما تأثیر این مهم، صرفاً یک بحث نظری نیست بلکه از واقعیت‌های بازار نشأت گرفته است. در نتیجه، می‌توان بیان داشت که هرچند برخی از انتقادات تحلیلگران اقتصادی حقوق قابل تأمل می‌باشد؛ اما به میزانی از قوت نیست که بتوان اصل دخالت و کنترل را کنار گذاشت. نهایت آن که توانسته‌اند در حدود اعمال محدودیت و کنترل دولت تأثیر بگذارند و از حیث نظری نیز مانع دخالت‌های افراطی در حاکمیت اراده طرفین شوند.

۳-۲- قیم مآبانه بودن مداخلات

انتقاد دیگری که بر مبنای کنترل و مداخله در قراردادهای استاندارد وارد می‌سازند، بحث نقض استقلال طرفین قرارداد و حالت قیم مآبی دولت هاست. به عقیده این ناقدان، به‌طور کلی هر قاعده حقوقی که مانع رفاه بر خواسته از عمل فردی و حق حاکمیت بر خود باشد، قیم مآبی است (Kronman, 1980: pp472-474). استدلال ایشان بر این است که دولت‌ها بدون مطالبه افراد و ناخواسته در حوزه قراردادها دخالت می‌کنند که هرچند این امر به نیت توسعه گروهی و منافع واقعی افراد باشد، باز هم قیم مآبی است. همین امر سبب شده است که با در نظر داشتن اهداف خیرخواهانه رژیم جدیدی معرفی کنند؛ در حالی که جامعه مد نظر آن‌ها از اعمال این دخالت و تغییرها راضی نیستند. بنابراین، منع نمودن شخص از ملزم کردن خویش، حتی در جهت منفعت حقیقی او، نوعی بی‌احترامی به استقلال اخلاقی اوست (kimel, op.cit, pp486).

در پاسخ به این انتقادات، لازم به ذکر است که زیربنا و تکیه‌گاه این تحلیل‌ها، ارزش فطری خودمختاری است. این در حالی است که ارزش عدالت که مقصود اصلی اعمال محدودیت‌ها و مداخلات است، کمتر از استقلال فردی نیست. چنانکه استاد فقید دکتر کاتوزیان نیز بر این امر تأکید دارند که هنگامی که قاعده اخلاقی «احترام به قراردادها»، در تعارض با ارزش‌های اخلاقی والائری چون عدالت و تعادل اقتصادی میان عوضین و رعایت حسن نیت باشد، ارزش والائری بر آن حاکم می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۳۳). ضمن

اینکه ارزش آزادی انتخاب و استقلال اراده در گرو کارایی آن است. حال وضعیتی را در نظر بگیرید که افراد به سبب فقدان تجربه و دانش لازم، تمام آزادی خود را علیه منافع خویش به کار گیرند؛ در این شرایط، تحدید آزادی فردی، ابزاری جهت دفاع از واقعیت او در برابر ضعف اراده و اشتباهات اوست. در نهایت، این محدودیت‌ها به عقلانیت، استقلال فرد و رفاه او نیز می‌افزاید (csrene, op.cit, pp48-50).

فرجام سخن

توجه به مزایای قراردادهای استاندارد، سبب گرایش روزافزون بنگاه‌های اقتصادی-تجاری و نیز سازمان‌های مالی-خدماتی چون بانک‌ها و بیمه‌ها و نیز صنوف مختلف به این نوع از قراردادها گشت. حذف قدرت چانه‌زنی طرف مقابل، کاستن از هزینه‌های قراردادنویسی، امکان تحمیل شرایط مطلوب خویش و قراردادن ریسک‌های موجود بر طرف مقابل، سرعت فرایند ثبت توافقات و... فرصت‌هایی هستند که البته امکان سوءاستفاده از آن‌ها نیز بسیار است. کنترل و اداره این قراردادها، ضرورتی بود با افزایش این سوءاستفاده‌ها ملموس‌تر شد. در این زمان بود که بحث دیرین حامیان اصالت فرد و آزادی قراردادی با طرفداران عدالت قراردادی و کنترل آزادی‌ها بالا گرفت. ضرورت‌های موجود که عدم توجه به آن‌ها نتایج زیانباری را برجا می‌گذاشت، به تدریج ریشه‌های افراط در آزادی اراده و قراردادها را سست نمود. توسل به کنترل قضایی با ابزارهای سنتی قواعد عمومی و تکنیک‌های تفسیری نمی‌توانست به تنهایی در قبال پیچیدگی و نظام‌مند بودن این نابرابری‌ها پاسخگو باشد. از این رو، با وضع مقررات و قانون‌های پراکنده سعی بر اداره تقنینی موارد ناعادلانه شد. واقعیت‌های موجود در عرصه نوین قراردادها، مبنا و دلیلی بر توجیه دخالت و اعمال محدودیت‌ها بر آزادی قراردادی و دفع نابرابری‌ها قرار گرفت. عمده‌ترین دلایل این تحدیدها، زیر سؤال رفتن انتخاب آزادانه و حاکمیت اراده هر دو طرف بر قرارداد، نابرابری نظام‌مند و سیستماتیک در قدرت معاملی یا همان قدرت چانه‌زنی و نیز شکست‌های بازار همچون

انحصار نظام‌مند و پیچیده و نابرابری اطلاعات و آگاهی طرفین بود که شرح آن رفت. با وجود مبانی و دلایلی که بیان شد، عده‌ای انتقاداتی را بر اعمال محدودیت‌ها و اداره قراردادهای ناعادلانه وارد ساختند که در دو مقوله بدان پرداختیم. در کنار بحث قیم مآبی و ناخواسته بودن دخالت‌ها، اساسی‌ترین استدلال منتقدین، نداشتن توجیه اقتصادی کنترل‌ها و ناچیز بودن منافع مداخله نسبت به هزینه‌های این پروسه است. همان گونه که بیان شد، هم در اعلام هزینه‌ها اغراق شده و هم به منافع کوتاه‌مدت نظر داشته‌اند و هم از ارزش پیشگیرانه بودن مقررات کنترلی حتی بدون تحمیل هیچ هزینه‌ای، غافل شده‌اند. ضمن اینکه ارزش عدالت کمتر از ارزش استقلال فردی که خود محل بحث است، نمی‌باشد. البته این انتقادات هرچند آن قدر قوی نیستند که رد دلایل اداره قراردادها و اعمال محدودیت‌های نوین را توجیه کنند؛ تأثیر خود را بر میزان اداره قراردادها و شدت و ضعف دخالت‌ها با توجه به قدرت «جایگاه فرد» در جوامع مختلف گذاشته‌اند.

منابع

- عبدی پور، ابراهیم (۱۳۸۸) «سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط»، **مجله حقوق اسلامی**، سال ششم، شماره ۲۱.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۱) «قراردادهای استاندارد (الحاقی) در حقوق کامن‌لو با تأکید بر حقوق انگلستان و آمریکا»، **مجله حقوق خصوصی**، سال چهارم، ش ۱۲.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵) **فلسفه حقوق**، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، چ چهارم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰) «ستایش قرارداد یا اداره قرارداد»، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۵۲، ش ۰.
- کرمی، سکینه (۱۳۹۵) «نابرابری قدرت چانه‌زنی به عنوان مبنایی برای کنترل قرارداد»، **مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره هفتم، شماره ۲.

- Trebilcock, M.J, (1993), **the limits of freedom of contract**, Harvard University Press.
- Kessler, Friedrich, (1943), **contracts of adhesion-some thoughts about freedom of contract**, Columbia law Review, Vol.21, No.5.
- Dimatto, Larry A, (2001), **Equitable Law of Contracts:Standard And Principles**, Transactional publishers.
- Atiyah, P.S, (1980), **from principles to pragmatism, changes in the function of the judicial process and the law**,65LowaLawReview.
- Barnhizer Daniel D, (2005), **“Bargaining Power in Contract Theory, Michigan state University College of Law”**, legal Studies Research Paper Series, Research Paper,No 03-04 (Cited in :<http://ssrn.com/abstract=578578>)Visited on 22/1/2019.
- Dimnateo,Larry.A, (1998-1999), **Equities Modification of Contract:an Analysis of the Twentieth Century's Equitable Reformation of Contract Law**, 33 New Eng.L.Rev.
- Barnhizer Daniel D, **Inequality of Bargaining Power**,Legal Studies Research Paper Series,no:02_01 (cited at:<http://ssrn.com/abstract=570705>) visited on:23/1/2019
- Kimel,Dori, (2001), **“Neutrality,Autonomy and Freedom of Contract”**, Oxford Journal of Legal Studies,vol21,no3.
- Nebbia,Paoliza, (2007), **Unfair Contract Terms in European Law: a study in comparative and EC Law**, Hart Publishing, Oxford and Portland.
- Malbon, Justin E, (September 5, 2012), **"Why Parties Enter into Unfair Deals"**, Adelaide Law Review 137-175; Monash University Faculty of Law Legal Studies Research Paper No. 2013/16. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2142205> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2142205> .
- Cooter, R, Ulen, T, (2008), **Law and Economics**,5th ed,Prentice Hall.
- Trebilcock, Michael J, (1996), **Critiques of the Limits of Freedom of Contract a Rejoinder**, Osgoobe Hall Law Journal, vol.33.no.2.
- Cserne, Peter, (2008), **Freedom of Choice and Paternalism in Contract Law: Prospect and Limits of an Economic Approach**, PHD Thesis (Cited at Social Science Research Network)visited on 5/2/2019.
- Wagner, Gerhard, **Mandatory Contract Law: Functions and Principles in Light of the Proposal for a Directive on Consumer Rights**, Erasmus Law Review, vol.3,no1:2010. (cited at:

[http://www.erasmuslawreview.nl/files/ELR_2010_1_05 Mandatory_Contrac_Law.pdf](http://www.erasmuslawreview.nl/files/ELR_2010_1_05_Mandatory_Contrac_Law.pdf) visited on 5/2/2019.

Zhou, Qi, (2008), “**An Economic Perspective on Legal Remedies for Unconscionable Contracts**”, in University of Sheffield-faculty of law: (Cited in: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1284963) visited on:6/2/2019.

Posner, Richard A, (1992) ,**The Economic Analysis of Law**,4th ed, Little Brown and Company.

Ricket, Charles.F and Tefler,Thomas G.W, (2003), **International Perspectives on Consumers Access to Justice**, Cambridge University Press.

Smith, Rhonda, (2007), **Cost and Benefits of Intervention in Relation to Unfair Terms, Consumer Action Law Center, Supplementary Submission, Unfair Contract Terms**, (cited at : http://www.pc.gov.au/data/assets/pdf_file/0004/89023/sub100.pdf, visited on: 15/6/2017)

Posner, Richard A, (1986), **The Economic Analysis of Law**,3rd ed.

Barnhizer, Daniel D., (2004), **Inequality of Bargaining Power**, University of Colorado Law Review, Vol. 76,. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=570705> .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی